

درجات اهل بهشت از منظر قرآن کریم

انیس سیستانی^۱

چکیده

درجات و فهم قرآن، مانند درجات ساختمان و پله های نردبانی است که وصول به هریک از آنها مستلزم عبور و گذر از پله قبلی است. بدیهی است که انسان دارای باورهای اعتقادی بر این باور است که هر عملش از نیک یا بد پیامدی برای او در عالم عقبی به دنبال خواهد داشت که مستلزم تفاوت درجات اهل بهشت و جهنم در عالم آخرت خواهد گردید. در آیات قرآن کریم از بهشت های مختلفی همچون جنت مأوی، جنت نعیم، عدن فردوس، و نیز درجات و صفات مختلف اهل بهشت سخن به میان آمده است که بین این بهشت های مختلف از لحاظ خصوصیات، شرایط ورود، ساکنین آنها اختلاف و شباهت هایی دیده می شود به گونه ای که می توان به کمک ادله و متون تفسیری و قرآنی به بررسی درجات مختلف اهل بهشتیان پرداخت که به نظر می رسد از میان اهل بهشت بالاترین درجه برای پیامبران و معصومین (علیهم السلام) است که در جنت فردوس قرار دارند و دیگر افراد در درجه های نازلتر قرار دارند. در این مقاله سعی بر این است از لابلای آیات قرآن این درجات بهشتیان مورد بررسی واقع گردد برای تبیین هرچه بهتر درجات اهل بهشت و تشویق دیگر افراد برای تلاش برای رسیدن به این مقامات والا و روش تحقیق پیش رو توصیفی و بر گرفته از مطالعات نهفته در کتابها و مقالات و جمع آوری اطلاعات این منابع در قالب فیش برداری است. در این مقاله سعی گردید درجات بهشتیان از منظر قرآن کریم بررسی گردد.

کلیدواژه ها: درجات، مراتب، اهل بهشت، آیات قرآن، جنت، عدن، فردوس

^۱ - طلبه سطح ۲، حوزه علمیه فاطمیه (سلام الله) شهرستان بردسیر

فهرست مطالب

Contents

مقدمه:	۱
۱- مفهوم شناسی بهشت	۱
۲- درجات و مراتب اهل بهشت	۲
۲-۱- متقین اهل جنه النعیم	۳
۲-۲- اهل جنت عدن	۷
۲-۳- صادقان اهل بهشت رضوان:	۸
۲-۵- صابران اهل دارالسلام	۱۱
۲-۵-۱- امنیت و ولایت دو موهبت الهی	۱۳
۲-۶- شهدا اهل جنت المأوی	۱۳
۲-۷- جنت دارالمقام	۱۷
نتیجه گیری:	۱۹
منابع	۱۹

مقدمه:

بهشت، آنجایی است که پرهیزگاران در آن زندگی خواهند کرد. آنجایی که منتهای الیه حرکت کمالی نیکوکاران است. آنجا که ثمرات کردار شایستگان، در آنجا به منصفه ظهور می رسد، آنجایی که آرامش خاطر و هرگونه نعمتی برای واردین به آن فراهم است و بهترین وسایل آسایش برای مردم فراهم است و از نظر قرآن بهشت با نام هایی چون دارالخلود خوانده شده و جایگاه اهل ایمان است و کسانی که کار شایسته انجام می دهند و از محارم حذر می کنند و با خلوص عقیده خالق خود را می خوانند و با وعده هایی که با خدا بسته اند وفادارند و برای مصالح ملت و پیشبرد مصالح عالی بشر در راه خدا با جان و مال جهاد می کنند و از معاصی دوری می نمایند و به کارهای نیک گرایش دارند. مسلماً بهشت جایگاه نیکان و بازتاب عملکرد نیک آنهاست در این مقاله سعی بر این است مراتب و درجات بهشت از منظر قرآن بررسی گردد و با بهره گیری از روش توصیفی و کنکاش در کتب تفسیری و مقالات درجات بهشت عنوان گردد تا مشوقی باشد برای ما برای قدم گذاشتن در مسیر خوبی ها برای رسیدن به درجات والای بهشت؛ چون گریز از مرگ مسیر نیست پس ناگزیر اشخاص باید در پی بهره گیری از فرصت ها و جمع توشه برای عقبی خویش باشند. بررسی این مطلب به انگیزه تشویق و ایجاد انگیزه برای کسب درجات بالای بهشتی در آخرت می تواند راهگشای مسیر انسانها باشد برای رسیدن به سعادت و پیشینه تاریخی بهشت برمی گردد به آفرینش اولین انسان حی در این عالم حضرت عالم و جریان هبوط ایشان بر زمین بر اثر خطا و اشتباه و سعی شده به تبیین مفهوم شناسی بهشت و درجات متفاوت بهشت از نگاه قرآن پرداخته تاراهگشای و مشوق معتقدین به معاد گردد.

۱- مفهوم شناسی بهشت

واژه قرآنی بهشت «جَنَّة» است. جنت به هر باغ و بستانی گویند که دارای درختان انبوه باشد و زمین را بپوشاند. راغب، اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن کریم، (ص ۹۸) وجه تسمیه جنت یا به جهت تشبیه آن به باغ های دنیا است و یا به خاطر پوشیده بودن نعمت هایش از ساکنین دنیا است؛ چون در بهشت از خیر و سعادت چیزهایی است که بر قلب هیچ بشری خطور نمی کند (محمدحسین، طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۷۷).

بهشت، جایگاهی است که همه انسان ها رسیدن به آن را آرزو می کنند و اهل ایمان هم سودای دستیابی به آن عالم جاویدان را در سر می پروراند. بحث درجات بهشت از مجهولاتی است که دستیابی به آن بر انسان خوشایند است و می تواند مشوق او در از سرگذراندن سختی های دنیا باشد. امام علی (علیه السلام) در توصیف بهشت می فرماید: «خداوند آن انسان پارسا را در آنجا که خود می خواهد، زندگی جاوید می دهد و در نزد خود در جایگاه گرمی و بالارزش منزل می دهد، در سرایی که خداوند آن را برای دوستان خود برپا ساخته

است. سایبان آن عرش و روشنایی آن، خوشنودی او و دیدارکنندگان آن، فرشتگان و دوستان او پیامبران می باشند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۳).

عدالت خداوند مقتضی آن است که بهشت دارای درجات مختلف است و هر انسانی به حسب کمال و ارزش خود در بهشت درجاتی دارد و هر عمل خیری آدمی را درجه ای بالاتر می برد و در این میان ممکن است فردی با ورود به جهنم پاک شده و در نهایت به بهشت وارد شود. طبیعی است که درجه وی بسیار متفاوت از شخصی است که در طول عمر خویش مرتکب گناه نشده و یا گناه کمتری را انجام داده است. در برخی روایات وارد شده که درجات بهشت به تعداد آیات قرآن است. (محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، امالی، ۱۳۷۶، ش ۳۵۹). بر شما باد به خواندن قرآن که درجات بهشت به شماره آیات آن است. لذا برای بهشت درجات زیادی بیان شده است

برای فهم دقیق مقامات بهشت، باید توجه داشت که کیفیت زندگی قیامت و اهل بهشت با زندگی در دنیا متفاوت است و جزئیات و نحوه زندگی انسان ها در آن برای کسی جزء حضرات معصومین (علیه السلام) روشن نیست و ما به مواردی بسیار اندک از نحوه زندگی در آخرت آگاه هستیم. لذا اینکه زندگی در بهشت چگونه است و ملاک دقیق درجه و رفاه افراد به چه شکل است از اموری است که عقل به آن دسترسی نداشته و به طور کلی می توان برای درجات اهل بهشت فرق هایی بیان نمود؛ ولی در عین حال مسلم است آن شخصی که وارد بهشت می شود در هر شأن و مرتبه و درجه ای که قرار داشته باشد از یک سری خدمات عمومی و از امتیازات کلی زندگی بهشتی برخوردار است. از جمله اینکه در بهشت، مرگ و بیماری، غم و اندوه، رنج و درد وجود ندارد و هیچ نوع عذاب روحی و جسمی بهشتیان را آزار نخواهد داد؛ اما در مقابل مشرکان پیمان شکن «اَشْتَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (توبه، آیه ۹). آیات خدا را به بهای اندکی فروختند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، به راستی آنان بد اعمالی انجام می دادند. رضای الهی و بهشت ابدی را به دنیای زودگذر و پرافت فروختن، بدترین کار است. (محسن، قرائتی، تفسیر نور، ج ۳، ص ۳۸۴).

۲- درجات و مراتب اهل بهشت

برای بهشت درجات و برکاتی است که دانستن آن وضعیت انسان را در ابدیت ترسیم می کند و اگر ما این وضعیت ابدی خویش را بدانیم می توانیم در عرصه زندگی عملکرد بهتری از خود نشان دهیم و یادآوری این مطلب می تواند مشوق عمل گردد. برای اهل بهشت هشت درجه بیان می گردد که می توان این درجات را از لابلای قرآن به دست آورد که در اینجا به این درجات اشاره می شود.

۲-۱- متقین اهل جنه النعیم

مرتبه ای از بهشت، جنه النعیم است که برای مقربان فراهم آمده است. قرآن کریم در باره بهشتیان فرموده «كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا، قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ، وَاتُّوا بِهِ مُتَشَابِهًا» (بقره، ۲۵). از میوه‌های بهشت به هر رزقی که می‌رسند، می‌گویند این همان است که قبلاً هم روزیمان شد و آنچه را که به ایشان داده می‌شود شبیه با توشه‌ای می‌یابند، که از دنیا با خود برده‌اند. از این آیه بر می‌آید: آدمی در جهان دیگر، جز آنچه خودش در این جهان برای خود تهیه کرده چیزی ندارد.

«كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلَيِّنَ» (مطففین، ۱۸) علین در انتظار ابرار است. نخست می‌فرماید: چنان نیست که آنها در باره معاد می‌پندارند، بلکه نامه اعمال ابرار و نیکان در علین است. علین، جمع علی (بر وزن ملی) در اصل به معنی مکان بالا یا اشخاصی است که در محل بالا می‌نشینند، و به ساکنان قسمت‌های مرتفع کوه‌ها نیز اطلاق شده است، و در اینجا جمعی آن را به معنی برترین مکان آسمان یا برترین مکان بهشت تفسیر کرده‌اند. بعضی نیز گفته‌اند که ذکر آن به صیغه جمع به خاطر تأکید است و به معنی علو فی علو؛ یعنی بلندی در بلندی می‌باشد. نخست اینکه منظور از کتاب الأبرار، نامه اعمال نیکان و پاکان و مؤمنان است، و هدف بیان این نکته است که نامه اعمال آنها در یک دیوان کل که بیانگر تمام اعمال مؤمنان است قرار دارد، دیوانی که بسیار بلند مرتبه و والا مقام است. یا اینکه نامه اعمال آنها بر فراز آنها در شریف‌ترین مکان، یا بر فراز بهشت در بلندترین مقام جای دارد، و همه اینها نشان می‌دهد که مقام آنها فوق العاده بلند و والا است.

کتاب، در اینجا به معنی سرنوشت و حکم قطعی الهی است که مقرر داشته. نیکان در اعلی درجات بهشت باشند. و البته جمع میان این دو تفسیر نیز ممکن است که هم نامه اعمال آنها در یک دیوان کل قرار دارد، و هم مجموعه آن دیوان بر فراز آسمان‌ها است و هم فرمان الهی بر آن قرار گرفته که خودشان در بالاترین درجات بهشت باشند. (ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱، ج ۲۶، ص: ۲۷۲).

«وَمَا أَذْرَاكَ مَا عَلَيْنَا». اشاره به اینکه مقام و مکانی است برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم که هیچ کس حتی پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) نیز نمی‌تواند ابعاد عظمت آن را دریابد. سپس خود قرآن به توضیح بیشتر پرداخته، می‌افزاید: علین نامه‌ای است رقم زده شده «كِتَابٌ مَرْقُومٌ». این بنا بر تفسیری است که علین را به معنی دیوان کل نامه اعمال ابرار معرفی می‌کند؛ و اما بنا بر تفسیر دیگر معنی آیه چنین است: این سرنوشت حتمی است که خداوند در باره آنها رقم زده که جایگاه‌شان برترین درجات بهشت باشد.

این کتاب کتابی است که مقربان آن را مشاهده می‌کنند یا بر آن گواهی می‌دهند «يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ». اگرچه جمعی از مفسران مقربون را در این آیه به معنی فرشتگانی که مقرب درگاه الهی هستند تفسیر کرده‌اند،

تعبیر نشان می‌دهد که آنها جلسات انس دست جمعی تشکیل می‌دهند، و این اجتماع که خالی از هر گونه لغو و بیهوده‌گی است، و تنها از الطاف الهی و نعمت های بی‌پایان او، و نجات از درد و رنج های دنیا و عذاب آخرت، در آن سخن گفته می‌شود چنان لطف و لذتی دارد که چیزی با آن برابری نمی‌کند.

در آخرین آیه مورد بحث به فرش های فاخر بهشتی اشاره کرده، می‌فرماید: در آنجا فرش هایی گرانبها و بسیار زیبا گسترده شده «وَزَرَابِي مَبْتُوثَةٌ». زرابی، جمع زریبه به معنی فرش های عالی خواب‌دار است که هم نرم و راحت است، و هم گرانبها و پر قیمت. در این آیات هفت نعمت مهم بهشتی ذکر شده که هر یک از دیگری جالب تر و زیباتر است. بهشت جایگاهی است بی‌نظیر از هر جهت و خالی از هر گونه ناراحتی و جنگ و جدال، با انواع میوه‌های رنگارنگ، و نغمه‌های دلپذیر و چشمه‌های آب جاری، و شراب های طهور، و خدمتگزارانی شایسته و همسرانی بی‌مانند، و تخت هایی مرصع، و فرش هایی فاخر، و دوستانی با صفا و ظروف و قدح هایی جالب در کنار چشمه‌ها، نعمت هایی که نه بالفاظ محدود این جهان قابل شرح است، و نه در عالم خیال قابل درک، و همه اینها در انتظار مقدم مؤمنانی است که با اعمال صالح خود اجازه ورود در این کانون نعمت الهی را کسب کرده‌اند. و فراتر از این لذات مادی لذات معنوی، و برتر از همه "لقاء الله" و جلوه‌های محبوب، و الطاف آن معبود است که اگر یک لحظه آن به دست آید بر تمام نعمت های مادی بهشت برتری دارد. (ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص: ۴۲۵).

۲-۷- جنت دارالمقام

«الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ» (فاطر، ۳۵). خداوندی که ما را از فضل خویش در سرای ابدی جای داد که در آن جا هیچ رنجی به ما نمی‌رسد و درماندگی به سراغ ما نمی‌آید. «نَصَبٌ» به معنای تعب و رنج و «لُغُوبٌ» به معنای عجز و ناتوانی است و گاهی در افسردگی به کار می‌رود. در کشورهای مترقی و خانواده‌های مرفه، آسایش پیدا می‌شود؛ ولی آرامش کمیاب است، اما اهل بهشت هم در آسایش کاملند و هم از غم‌ها و تحیرها دور.

باید توجه داشت که بهشت، ابدی است. «دار الْمُقَامَةِ» و رنج و غم با بهشتیان حتی تماس ندارد. «لَا يَمَسُّنَا». در بهشت نه خستگی وجود دارد و نه غم. «لَا يَمَسُّنَا ... نَصَبٌ ... لُغُوبٌ» و بهشتیان، نعمت‌ها را از فضل خدا می‌دانند، نه از عمل خود. «مِنْ فَضْلِهِ»

آسایش و آرامش بهشت، حتمی است. (جمله‌ی «لَا يَمَسُّنَا» تکرار شده است). (محسن، قرائتی، تفسیر نور، ج ۷، ص: ۵۰۳). «الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ» کلمه مقامه به

معنای اقامه است، و "دار المقامه" آن منزلی است که کسی از آن بیرون نمی‌رود و از آنجا به جای دیگر کوچ نمی‌کند. و کلمه "نصب" به معنای تعب و مشقت است. و کلمه لغوب به معنای خستگی و تعب در طلب معاش و غیر آن است. و معنایش این است که: آن خدایی که ما را به فضل خودش و بدون اینکه استحقاقی داشته باشیم در خانه جاودانه داخل کرد، بهشتی که نه در آن مشقتی هست و نه تعب. و کلمه من فضله مناسب خاصی با جمله سابق، یعنی جمله: «ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ» دارد. (محمدحسین، طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۶۸)

خداوند در آیات آخر سوره فجر به این درجه از درجات بهشتی اشاره نموده است: «فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي» (فجر، ۲۹ و ۳۰) این آیه به دلیل اینکه حرف فاء در اولش درآمده نتیجه‌گیری از جمله «ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ» است، می‌فرماید: چون راضی و مرضی به سوی پروردگارت بر می‌گرددی پس در زمره بندگانم در آی و در بهشتم داخل شو، و این فرمان دلالت دارد بر اینکه صاحب نفس مطمئنه در زمره بندگان خدا است، و حائز مقام عبودیت است.

وقتی کسی مطمئن به پروردگار خود شد و از ادعای استقلال منقطع گردید، و بدانچه از ناحیه پروردگارش می‌رسد به دلیل اینکه حق است راضی شد، قهرا ذات و صفات و افعال خود را ملک طلق پروردگارش می‌داند، پس در آنچه او مقدر می‌کند و قضایی که او می‌راند و امر و نهیی که او می‌کند هیچ خواستی از خود نشان نمی‌دهد، مگر آنچه را که پروردگارش خواسته باشد، و این همان ظهور عبودیت تامه در بنده است، پس اینکه فرمود: «فَادْخُلِي فِي عِبَادِي» در حقیقت امضای عبودیت وی است و جمله «وَادْخُلِي جَنَّتِي» منزلگاه او را معین می‌کند، و منظور از اینکه کلمه جنت را بر ضمیر تکلم اضافه کرد و فرمود: داخل جنت من شو این بوده است که او را به تشریف خاصی مشرف کند، و در کلام خدای تعالی هیچ جا غیر این آیه جنت را به خود نسبت نداده است. (محمدحسین، طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۴۷۸).

۲-۸- محبین علی (علیه السلام) اهل جنت خلد

بهشت دارای اسامی و درجات گوناگونی است بهشت خلد به معنای جاودانه است «قُلْ أَذِلَّكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءٌ وَ مَصِيرًا» (فرقان، ۱۵). ای پیامبر بگو: «آیا این بهتر است یا بهشت جاویدانی که به پرهیزگاران وعده داده شده؟! بهشتی که پاداش اعمال آنها، و قرارگاهشان است.» اضافه جنت به خلد که به معنای جاودان است برای این است که دلالت کند بر اینکه بهشت مزبور فی نفسه و به خودی خود جاودانه و فنا ناپذیر است. (طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۲۶۰). بهشت جاودان، این بهشت برای کسانی هستند که ولایت علی (علیه السلام) را پذیرفته اند می‌باشد، این بهشت همان بهشتی

است که رسول خدا در وصف آن فرمود: کسی که دوست دارد زندگیش مانند زندگی و حیات من باشد و در جنت خلدی که پروردگار به من وعده فرموده ساکن شود، آن بهشتی که خداوند به دست خویش ستون ها و عمودهایش را درست کرده ، باید ولایت علی (علیه السلام) را پذیرفته باشد.

نتیجه گیری:

عدالت خدا ایجاب می کند که بهشت دارای درجات متنوع باشد و جایگاه بعضی همچون ستارگان آسمان نسبت به زمین باشد و بعضی مانند گناهکاران آزادشده از جهنم، در پایین ترین درجات بهشت زندگی کنند؛ اما به هر حال بهشت بهشت است و پایین ترین درجه آن از بالاترین درجات دنیا برتر است و یک وجب از آن بهتر از دنیا و هر آنچه در دنیا است. شناخت درجات بهشت می تواند یاری رسان و مشوق ما باشد برای افزودن تلاش خویش در این دنیا برای دستیابی به درجات بالای بهشتی و رسیدن به وصال محبوب و لقای الله باشد.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- ابن عباس، عبدالله بن عباس، غریب القرآن فی شعر العرب، ۱جلد، مؤسسه الکتب الثقافیه ، لبنان، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۳ ه.ق.
- ۴- ابن کثیر، علی ابن محمد، الکامل فی التاریخ لابن الاثیر، بیروت: دارصادر، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۶۱.
- ۵- اصفهانی، راغب ، مفردات الفاظ قرآن کریم، ذوی القربی، ۱۴۲۳ ق.
- ۶- بابویه القمی، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین، الخصال، ج ۱، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲ ه.ش.
- ۷- _____، من لا یحضره الفقیه، ج ۲ و ۴، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲ ه.ش.
- ۸- بروجردی، محمد ابراهیم، تفسیر جامع، تهران: کتابخانه صدر، چاپ ششم، ۱۳۶۶ ه. ش.
- ۹- جوهری، اسماعیل ابن حماد، الصحاح، محقق احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دارالعلم.
- ۱۰- حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم: ناشر: اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ه. ق.

- ۱۱- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱۹، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۸ ه.ش.
- ۱۲- صابری یزدی، الحکم الزاهره، ترجمه انصاری، سلزمان تبلیغات اسلامی، ج ۱، ص ۲۴۸.
- ۱۳- صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، امالی، ترجمه کمره ای، محمدباقر، تهران: اسلامی، ۱۳۷۶، ش ۳۵۹.
- ۱۴- طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، لبنان، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۰ ه. ق.
- ۱۵- _____، ترجمه تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ه. ش.
- ۱۶- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ه. ش، جلد ۱۰، صفحه ۴۵۶.
- ۱۷- _____، ترجمه تفسیر مجمع البیان، مترجم حسین نوری همدانی، تهران: ناشر فراهانی، ۵۴۸ ه. ق.
- ۱۸- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران: ناشر: مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ه. ش.
- ۱۹- طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن بن علی، الأمالی، مترجم صادق حسن زاده، قم: انیشه هادی، ۱۳۸۸.
- ۲۰- فراهی هروی، معین الدین، تفسیر حدائق الحقایق (قسمت سوره یوسف)، مترجم: سجادی، جعفر، تهران: ناشر: دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ه. ش.
- ۲۱- قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۸ ه. ش.
- ۲۲- قرطبی، محمدابن احمد، تفسیر قرطبی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴، جلد ۱۰، صفحه ۷۰۵۳.
- ۲۳- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸ ه. ش.
- ۲۴- مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ نهم، ۱۳۸۶ ه. ش.
- ۲۵- _____، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۱ ه. ش.

